

سالهای بحرانی

کاوه بیات

سالهای بحرانی نسل ما: خاطرات مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. تهران: نشر علم، ۱۳۸۶. ۹۵۰ ص. ۱۱۵۰۰۰ ریال.

این کتاب همان گونه که از عنوان آن بر می‌آید از دو قسمت تشکیل شده است؛ یکی «سالهای بحرانی نسل ما» که مروری است بر اهم تحولات تاریخی ایران از سالهای مقارن با تحولات بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا فروپاشی نظام پهلوی در جریان انقلاب اسلامی (حدود دو سوم کتاب) و دیگری نیز خاطرات و به یادمانده‌های شخص نویسنده از تحولات این دوره (یک سوم باقیمانده آن).

ترجمه و نقل فرازهایی نسبتاً مفصل و طولانی از گزارشهای سفارت آمریکا در ایران در مورد تحولات ایران در سالهای مقارن با بحران آذربایجان و نهضت ملی شدن صنعت نفت، همراه با تلاشهایی چند در تفسیر و تحلیل این گزارشها و رخدادها، خمیرمایه اصلی بخش مربوط به «سالهای بحرانی نسل ما» را تشکیل می‌دهد. اصولاً یک تحقیق متعارف تاریخی است و آن را می‌توان با اشاره به نکاتی چون اشتغال یا عدم اشتغال بر دیگر منابع و مآخذ موجود و دیگر معیارهای مشابه مورد نقد و بررسی قرار داد.

اگرچه در این بخش سعی بر آن بوده است که از پاره‌ای از رویکردهای متعارف تاریخنگاری ایران که تمامی حوادث و رخدادها را مطابق با نقشه‌ای از پیش تعیین شده تبیین می‌کند احتراز گردد ولی در نهایت - مانند هر پژوهش متعارف تاریخی - نکاتی چون نادیده گرفتن مآخذ و منابعی بیش از گزارشهای سفارت آمریکا را می‌توان در مورد آن مطرح کرد و درباره بسیاری از نکات مطرح شده در آن به چون و چرا پرداخت. از جمله باید به برداشت نه چندان دقیق نویسنده از مسائل مربوط به فرقه دموکرات آذربایجان اشاره کرد و نادیده

گرفتن نقش تعیین‌کننده عوامل امنیتی و سیاسی اتحاد شوروی را در کارگردانی کل ماجرا تقصیر ای‌جدی در این زمینه بر شمرد. ولی از آنجا که این خاطرات مهندس مقدم است که اهمیت اصلی را حائز است و نه شرح تحولات تاریخی ایران در فاصله شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲، که در مورد آن بررسیهای دقیقتری نیز موجود است، می‌توان به بخش خاطرات کتاب پرداخت.

بخش مهمی از خاطرات مهندس مقدم مراغه‌ای به تحولات ارتش اختصاص دارد. او که در اواخر دوره رضاشاه به دانشکده افسری راه یافت و اصولاً نظامی بود، در بخشی از این کتاب به فضای سیاسی حاکم بر حال و روز افسران جوان ایرانی اشاره دارد و از فعالیت‌های سروان توپخانه خسرو روزه می‌نویسد که در یک مرحله در چارچوب آموزه‌های فاشیستی به تبلیغ و تهییج مشغول بود و در یک مرحله دیگر نیز راه را بر نفوذ حزب توده گشود (صص ۱۹۳-۱۶۷). نکاتی چند در اشاره به رقابت‌های سرلشکر رزم‌آرا و سرلشکر حسن مقدم (برادر نویسنده) در ایام بحران آذربایجان (صص ۳۴۵-۳۳۱) و توصیفی از وضعیت آذربایجان بعد از سقوط فرقه (صص ۳۹۲-۳۸۱) از دیگر خواندنیهای این بخش است.

مهندس مقدم بعد از چند سال تحصیلات تکمیلی در فرانسه، در ۱۳۳۱ به ایران مراجعت کرد و در بخش جغرافیایی ارتش مشغول به کار شد. در این مرحله علاوه بر شرحی از ماجرای اسفند ۹۶ (صص ۶۵۰-۶۴۷)، در مورد وضعیت فوق‌العاده مغشوش ستاد ارتش در

تحولاتی که به کودتای ۲۸ مرداد منجر شد نیز گزارش مهم و درخور توجهی ارائه کرده است (صص ۷۰۰-۶۸۶).

با پیش آمد یک بحران سیاسی دیگر در اواخر دهه ۱۳۳۰ / اوایل دهه ۱۳۴۰، که راه را بر تحرک مجدد بسیاری از نیروهای مخالف و منتقد گشود، مهندس رحمت‌الله مقدم نیز با شرکت در انتخابات دوره بیستم، به نمایندگی از مراغه به مجلس شورای ملی راه یافت؛ بخشی کوتاه از این خاطرات نیز به توصیف تحولات این دوره از فعالیت‌های نویسنده در آن ایام اختصاص یافته است (صص ۷۴۷-۷۰۵).

از این مرحله به بعد، یعنی همزمان با شروع دور جدیدی از تحولات سیاسی در اواسط دهه ۱۳۵۰ است که بخش اصلی و مستمر خاطرات مهندس مقدم مراغه‌ای آغاز می‌شود. وی اینک در مقام یکی از رهبران نهضت رادیکال ایران، یکی از چهره‌های اصلی طیفی از ملیون ایران را تشکیل می‌دهد که در بیان مخالفت و انتقاد نقشی فعال داشتند. در این بخش از تجدید یک رشته از اختلافات قدیمی و ریشه‌دار میان جناح‌های مختلف ملی و ملی - مذهبی سخن در میان است و تلاشهای صاحب خاطرات در ایجاد نوعی انسجام و هماهنگی در میان این جمع منشئت (صص ۸۳۵-۷۷۱) و آنگاه سقوط نظام پهلوی و دوره‌ای کوتاه از فعالیت‌های زودگذر ولی مهم سیاسی در مقام استاندار آذربایجان و نمایندگی مجلس خبرگان، که در نهایت با گره خوردن سرنوشته صاحب خاطرات با ماجرای حزب خلق مسلمان به حذف وی از صحنه سیاست و ترک کشور منجر گردید (صص ۹۳۳-۸۳۵).

مطالب ارائه شده در این بخش، هم از لحاظ ثبت پاره‌ای از جزئیات و رخدادها این دوره مهم است (مانند عملکرد پاره‌ای از چهره‌های صاحب نام این دوره و یا فضای حاکم بر نوفل‌لوشاتو) و هم از منظر توصیف دیدگاه حاکم بر این طیف. طیفی که به دلیل پیشینه‌ای از مخالفت‌های سیاسی و شهرت حاصل از آن، خود را زمامدار امور تصور می‌کرد، حال آنکه در این مدت نیرویی شکل گرفته و در عرصه اجتماع رها شده بود که بی‌اعتنا به تصوراتی از آن دست در جست و جوی راه و رهبری بود مطابق ذوق خود. در نتیجه، اینکه اگر در آن مرحله پایانی ساواک تمامی سعی و تلاش خود را بر ایجاد نفاق و تفرقه میان سران ملیون متمرکز نکرده بود، اگر پاره‌ای از این رهبران از میدان دادن به رقابت‌های شخصی امتناع کرده بودند... شاید که رهبری در دست این گروه می‌ماند و نتیجه کار نیز چیز دیگری می‌شد - که تحلیل و برداشت تلویحی نویسنده از رخدادها این روزگار به نظر می‌آید - هر یک نکات و مواردی هستند که جای چون و چرا بسیار دارند.*

عمده‌شدن «من» و تحت‌الشعاع قرار گرفتن تمامی دیگر حوادث و رخدادها در حول و حوش این «من»، یکی از رایج‌ترین ایرادهایی است که معمولاً در مورد خاطرات رجال و شخصیت‌های سیاسی عنوان می‌شود، ولی در یک ارزیابی نهایی از خاطرات مهندس رحمت‌الله مقدم، آن را از معدود خاطراتی می‌توان بر شمرد که اگر کم و کاستی دارد بیشتر از بابت جهت عکس این معادله است؛ یعنی کم‌رنگ بودن «من» خاطرات و پررنگ شدن حوادث و رخدادها روزگار. کاش نویسنده بیشتر از خود می‌نوشت و کمتر از حوادث جنبی.

